

پژوهشنامه حج و زیارت

سال دوم، شماره سوم

بهار و تابستان ۱۳۹۶

صفحات ۸۹-۱۰۵

واکاوی حکم نماز استداره‌ای در مسجدالحرام از منظر فقه مذاهب اسلامی

مهدی درگاهی *

چکیده

نماز گزاردن به صورت دایره‌ای پیرامون کعبه معظمه یا همان نماز استداره‌ای در جماعت، از مسائلی است که مشروعیت و عدم مشروعیت آن از منظر فقه مذاهب اسلامی چندان هویدا نیست؛ زیرا تحقیقی موسع و یکپارچه در این باره صورت نگرفته است. از این رو پرسش از حکم نماز استداره‌ای در مسجدالحرام از منظر فقه اسلامی، مسئله‌ای است که نیازمند کاویدن تا مرحله پاسخی درخور است. سیره مسلمانان و عدم ردع حضرات معصومین؛ با رعایت شرایط ملحوظ در نماز جماعت، از جمله دلائلی است که به این کیفیت از نماز جماعت پیرامون کعبه معظمه مشروعیت می‌بخشد. این تحقیق با هدف شناخت اقوال و انظار فقهای مذاهب اسلامی و حدود و ثغور ادله و تبیین وظیفه و تکلیف مسلمانان در نماز استداره‌ای در جماعت انجام شده و نیل به این مقصد در سایه توصیف و تحلیل گزاره‌های فقه مذاهب اسلامی با گردآوری داده‌های کتابخانه میسر است که نتیجه آن، مشروعیت نماز جماعت حول کعبه معظمه با یک امام جماعت و به صورت دایره‌وار خواهد بود.

کلیدواژگان: نماز استداره‌ای، نماز جماعت، کعبه معظمه، مسجدالحرام، فقه مذاهب اسلامی.

* دانش آموخته سطح چهار حوزوی و پژوهشگر پژوهشگاه المصطفی (ع)

Aghigh_573@yahoo.com.

مقدمه

مسجد الحرام جایگاهی ویژه و ممتاز دارد؛ چنان‌که امیر مؤمنان، علی علیه السلام، مسجد الحرام را یکی از کاخ‌های بهشت در دنیا دانسته و فرموده است: «أَرْبَعَةٌ مِنْ قُصُورِ الْجَنَّةِ فِي الدُّنْيَا؛ الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ، وَمَسْجِدُ الرَّسُولِ...»؛ (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۶۹) و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله تنها در مسجد الحرام رحل اقامت می‌افکند و مسجد الحرام مأمن و پناهگاه مسلمین و مؤمنان است.

این جایگاه ویژه در خصوص نماز در مسجد الحرام، نمود و جلوه بیشتری دارد؛ به طوری که نماز در مسجد الحرام، در مقایسه با نماز در مساجد دیگر، بیشترین اجر و ثواب را داراست. گزارش‌های رسیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و اهل بیت گرامی شان علیهم السلام، حکایت از این مهم دارد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۷۰؛ متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۱۲، ص ۲۵۸). فقها و علما نیز در کتب فتاوی خود به تبعیت از احادیث به فضیلت نماز در مسجد الحرام، در مقایسه با دیگر مساجد، تصریح کرده‌اند (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۰۱؛ شمس الاثمه سرخسی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۲۳۸).

شکل ظاهری مسجد الحرام و قرار گرفتن کعبه معظمه در وسط آن، به گونه‌ای است که اگر مسلمانان بخواهند تنها یک نماز جماعت با امام جماعت واحد برپا کنند، باید امام جماعت در یک طرف کعبه رو به قبله به نماز بایستند و مأمومین از تمام جهات مسجد، به سمت کعبه، به او اقتدا کنند. این کیفیت نماز گزاردن به صورت دایره‌ای، همان نماز استداره‌ای است که در این مقاله حکم فقهی آن از منظر مذاهب اسلامی تبیین می‌شود. برای روشن شدن ابعاد بهتر مسئله، شایسته است ابتدا به تاریخچه این شکل از نماز گزاردن در مسجد الحرام اشاره کنیم و بعد از مطرح کردن اقوال و نظریات علمای اسلامی در مورد حکم آن، به واکاوی ادله پردازیم.^۱

نماز استداره‌ای در بستر تاریخ

اقامه نماز در مسجدالحرام به صورت استداره‌ای در کتب تاریخی قرن سوم، نقل شده است. ارزقی (م ۲۴۱) گزارش می‌دهد:

ابن جریج از عطا می‌پرسد: «در نماز داخل مسجدالحرام، وقتی تعداد افراد کم باشد، آیا بهتر است که پشت مقام بایستیم و اقامه جماعت کنیم که در این صورت صف‌های نماز متعدد خواهد بود، یا به دور کعبه حلقه زنیم و تنها با یک صف به اقامه جماعت پردازیم؟» عطا جواب می‌دهد: «با یک صف دور کعبه نماز بخوانید...» (ارزقی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۶۶).

ابن جریج، کسی است که فاکهی نقل می‌کند اهل مکه کیفیت نماز گزاردن را از او، و او از عطا، و عطا از ابن زبیر، و ابن زبیر از ابوبکر و ابوبکر از رسول خدا ﷺ آموخته است (فاکهی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۸۲).

گزارش‌های تاریخی گوناگونی در مورد اولین نماز استداره‌ای وجود دارد. برخی آن را به خالد بن عبدالله قسری، برخی به عبدالله بن زبیر، و برخی دیگر به حجاج بن یوسف ثقفی نسبت داده‌اند (همان، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۰۷؛ ارزقی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۶۵ و ۶۶).

البته در زمان سید مرتضی، وقتی حکومت، چهار مذهب فقهی اهل سنت را به رسمیت شناخت، اختلافات مذهبی بین آنها موجب شد تا چهار محراب و منبر در چهار جهت کعبه معظمه احداث کنند و از هر مذهب، امام جماعتی به اقامه نماز جماعت می‌پرداخت؛ به طوری که در هر نوبت نماز، چهار نماز جماعت بر پا می‌شد.

ابن جبیر در سفر خود به مکه مکرمه به سال ۵۷۸ قمری می‌نویسد:

در مسجدالحرام، پنج نماز جماعت با ائمه جماعات متفاوت، از مذاهب چهارگانه اهل سنت، در جهات مختلف کعبه معظمه اقامه می‌شد. امام پنجم از فرقه‌ای بود که زیدیه

نام داشت. آنها در اذان، «حی علی خیر العمل» را اضافه کرده بودند... (ابن جبیر، بی تا، ص ۷۳).

تصاویر به جای مانده از مسجد الحرام، قبل از تخریب و بازسازی اماکن درونی آن، به خوبی نشان می‌دهد که در چهار جهت کعبه معظمه، چهار محراب و چهار منبر بوده که نماینده چهار مذهب اهل سنت در آنها اقامه جماعت و سخنرانی داشته‌اند. بنابراین در وهله‌ای از تاریخ، نمازهای یومیه به جماعت استداره‌ای گزارش نشده است؛ هر چند که بنا بر ادعای برخی، مسجد الحرام تا به حال، دو امام جمعه، که هم‌زمان اقامه نماز جمعه کنند، به خود ندیده است (کردی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۶۸-۲۶۹)؛ و این یعنی علی‌رغم تعدد نمازهای جماعت یومیه در چهار سوی کعبه معظمه و در چهار محراب جداگانه در آن دوران، تنها یک نماز جمعه برپا می‌شده و این خود نشان از استداره‌ای بودن نماز، حتی در آن دوران دارد.

فارغ از صحت و سقم تک‌تک این گزارش‌ها، مهم این است که نماز استداره‌ای در طول تاریخ سابقه داشته و از دیرباز مورد ابتلای مسلمانان بوده است.

امروزه هم، پس از تخریب و بازسازی اماکن درونی مسجد الحرام و توسعه روز افزون آن به دست دولت سعودی، امام جماعت مسجد الحرام، نماز صبح و مغرب و عشا را پشت در کعبه اقامه می‌کند و مأمومین، در صف‌هایی دایره‌وار حول کعبه معظمه، به او اقتدا می‌کنند.^۲

اقوال فقها در صحت و سقم نماز استداره‌ای در مذهب جعفری

با تتبع صورت گرفته، ابن جنید^۱ اولین کسی است که به نماز استداره‌ای اشاره دارد. علامه حلی^۲ از او نقل می‌کند:

الإمام إذا صَلَّى في المسجد الحرام أحاط المصلون حول البيت من حيث لا يكون أحدهم

أقرب إلي جدار البيت منه (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۹۰).

در مسجد الحرام، وقتی امام جماعت نماز می‌خواند، نمازگزاران حول کعبه می‌ایستند و

به او اقتدا می‌کنند به طوری که هیچ کدام از آنها به کعبه نزدیک تر از امام نیستند.»

علامه در ادامه و در نقد کلام او می‌نویسد:

لم يذكر علماءنا ذلك. والأقرب الوقوف خلف الإمام؛ للعموم (همانجا).

علمای ما به این مسئله متذکر نشده‌اند و بهتر این است که، به خاطر عمومیت ادله،

مأمومین پشت امام جماعت باشند.»

همچنین در جای دیگر می‌نویسد: «استداره‌ای بودن نماز حول کعبه اشکال

دارد» (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۰ و ج ۴، ص ۲۴۱؛ علامه حلی، بی تا، ج ۲، ص ۱۱۷).

در مقابل، شهید اول رحمته الله می‌نویسد:

ولو استداروا صح؛ للإجماع عليه عملاً في كل الأعصار السالفة. نعم، يشترط أن لا يكون

المأموم أقرب إلى الكعبة من الإمام؛ (شهید اول، بی تا، ج ۳، ص ۱۶۱؛ شهید اول،

۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۲۰)

اگر استداره‌ای نماز بخوانند، صحیح است؛ به خاطر اجماع و عمل مسلمین در تمام اعصار گذشته. بله، شرط است که مأمومین به کعبه، نزدیک تر از امام به کعبه نباشند.

در همین راستا محقق کرکی (محقق کرکی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۲۷)، شهید ثانی

(شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۰۸)، محقق نراقی (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۷۳-۷۴)،

صاحب جواهر (صاحب جواهر، بی تا، ج ۱۳، ص ۲۳۰)، سید کاظم طباطبایی (یزدی،

۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۷۸۳، مسئله ۲۵) و سید محسن حکیم (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۷،

ص ۲۴۸، مسئله ۲۵) به جواز نماز استداره‌ای حکم کرده‌اند، به شرطی که مأمومین از

امام جماعت به کعبه نزدیک تر نباشند. همچنین محقق اصفهانی (اصفهانی، ۱۴۰۹ق،

ص ۱۳۶)، تقدم امام بر مأموم را، در نماز استداره‌ای، محفوظ می‌داند.

البته برخی دیگر از فقها، این مسئله را خالی از اشکال ندانسته و با تردید در

جواز، احتیاط را راه نجات دانسته‌اند.

صاحب مدارک (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۳۳۱)، محقق سبزواری (سبزواری، ۱۳۴۷ق، ج ۲، ص ۳۹۴)، صاحب حدائق (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۱۱۹)، شیخ انصاری (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۵۱۶)، شیخ عبدالکریم حائری (حائری، ۱۴۰۴ق، ص ۴۸۰)، سید محمدحسین بروجردی (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۵۲) و امام خمینی (همان) از این دسته‌اند. فتوای برخی نیز، همچون محقق خویی (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۷، ص ۱۹۵)، عدم جواز است.

در سایر مذاهب فقهی

فقهای سایر مذاهب فقهی - اعم از حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی - نماز استنداره‌ای در اطراف کعبه را استثنایی از تقدم مأموم بر امام جماعت، و آن را صحیح دانسته‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۲۴۱؛ جریری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۱۴)؛ تنها فقهای شافعیه می‌گویند:

اگر مأموم در همان طرف که امام ایستاده، جلوتر از او بایستد، نمازش باطل است. ولی اگر در طرف‌های دیگر (مانند روبه‌رو) قرار بگیرد، نمازش صحیح است. ولی اگر [به خاطر ضرورت، مانند تنگی مسجد] ناگزیر باشد، مکروه است (نوی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۰۰؛ رافعی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۳۹؛ شمس الانمه سرخسی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۷۸ - ۷۹).

ارزیابی اقوال و ادله ایشان

مهم‌ترین دلیل قائلان به جواز، همان اجماع عملی و سیره مسلمین در اعصار گذشته است که در کلام شهید اول علیه السلام مطرح شد. اما بسیاری از مانعین، با استناد به کلام علامه در مختلف و تذکره در تحقق این اجماع عملی خدشه کرده‌اند. آنان معتقدند چگونه شهید اول، که به لحاظ زمانی حدود شصت سال از علامه علیه السلام متأخر است، مدعی اجماع عملی است، در حالی که علامه با ذکر کلمات ارباب مذاهب چهارگانه اهل سنت، در صحت آن خدشه می‌کند.

شایسته است در استدلال به سیره مسلمین در دو جهت بحث شود تا جوانب مسئله روشن تر کرد:

اول. از جهت اثبات اصل سیره از حیث صغروی؛

دوم. اثبات حجیت این سیره از حیث کبروی.

بحث صغروی

در مبحث تاریخچه اجمالاً مطرح شد که هیئت و شکل ظاهری مسجدالحرام و قرار گرفتن کعبه معظمه در وسط آن، موجب شد که مسلمانان به استداره‌ای خواندن نماز حول کعبه روی آورند و گفتیم این امری جدید و حادث نیست که برخی معتقدند (قائمی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۲۲۳). بلکه از زمان حضرات معصومین علیهم‌السلام وجود داشته و گزارش‌های تاریخی، مؤید این مطلب‌اند. برخی حتی وجود سیره در زمان رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را ادعا می‌کنند و معتقدند کثرت عدد نمازگزاران در روز فتح مکه و نمایش اقتدار، یکپارچگی و وحدت تمام قبائل مسلمان، و کثرت عدد حجاج در ایام حجه‌الوداع و اقامه نماز جماعت در صحن مسجدالحرام با آن وسعت اندک، که پیش‌تر در کلیات مطرح شد، اجازه اقامه جماعت به خط مستقیم را به مسلمانان نمی‌داد؛ مخصوصاً در حجه‌الوداع که مسلمانان اشتیاق داشتند در اطراف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باشند تا ادای حج را از او فرا گیرند. بنابراین نمی‌توان استداره‌ای خواندن نماز را در زمان ایشان انکار کرد (اصفهانی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۳۶).

فارغ از اثبات سیره در زمان پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مهم این است که سیره مزبور در زمان حضرات معصومین علیهم‌السلام، مخصوصاً در دوران صادقین علیهم‌السلام به بعد، وجود داشته و گزارش‌های تاریخی از عملکرد مسلمانان حکایت دارد.

از طرف دیگر نقل اجماع علمی از سوی شهید اول علیه‌السلام، که در قرن هشتم (م ۷۸۶) می‌زیسته، بسیار حائز اهمیت است؛ چه اینکه گفتیم قبل از آن دوران، در سفرنامه‌ها

حکایت شده که چهار نماز جماعت به امامت نماینده ائمه چهارگانه اهل سنت در مسجد الحرام اقامه می‌شد و در نماز جمعه، همه با هم یک نماز اقامه می‌کردند و شهید^{علیه السلام} با علم به عملکرد مسلمانان در روزگار خویش و قبل از آن، مدعی سیره می‌شود و بزرگانی همچون شیخ انصاری (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۵۱۶)، و دیگران (حائری، ۱۴۰۴ق، ص ۴۸۰)، که منکر جواز استنداره‌ای خواندن هستند، اصل سیره را پذیرفته و تنها به حجیت آن اشکال گرفته‌اند. بنابراین اثبات اصل سیره، چیزی نیست که بتوان آن را انکار کرد.

بحث کبروی و حجیت سیره

به عقیده برخی علما این سیره در عصر معصومین^{علیهم السلام} وجود داشته است و ایشان انکار و ردعی بر آن نداشتند. پس همین ردع نکردن ایشان از رضایت آنان و حجیت این سیره حکایت دارد (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۷، شرح، ص ۲۴۹، مسئله ۲۵). در مقابل، برخی معتقدند که این سیره نمی‌تواند کاشف از رضایت معصومین^{علیهم السلام} باشد؛ چرا که این سیره، عملکرد عامه است، نه خاصه. محقق خوینی در این باره می‌نویسد:

مثل هذه السيرة لا أثر لها، ولا تكاد تغني شيئاً؛ فإنّ المباشر لها هم أبناء العامة فقط، إذ لم نجد ولم نسمع تصدّي الخاصة لذلك في دور من الأدوار لا قديماً ولا حديثاً حتى في عهد المعصومين^{علیهم السلام}، ولم ينقل عنهم ولا عن شيعتهم إقامة الجماعة حول الكعبة مستديرة فضلاً عن استقرار سيرتهم عليها، فهي مختصة بأهل الخلاف فحسب (خوینی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۷، ص ۱۹۴).

مثل این سیره هیچ اثری ندارد و چیزی را افاده نمی‌کند؛ چون کسانی که استنداره‌ای نماز می‌خواندند، همان عامه بودند؛ نه شنیدیم و نه جای پیدا کردیم که اداره شئون و امور مسجد الحرام از دوران گذشته، حتی زمان معصومین^{علیهم السلام}، تا به حال به دست خاصه

بوده باشد [تا عملکرد آنها مورد ارزیابی قرار گیرد] و اقامه جماعت استداره‌ای حول کعبه از امامان معصوم علیهم‌السلام و پیروانشان نقل نشده است؛ چه رسد به استقرار سیره آنها. بنابراین، این سیره، مختص اهل سنت است.

محقق خوئی در ادامه می‌گوید:

این عدم ردع از سوی حضرات معصومین علیهم‌السلام از باب تقیه است؛ چه اینکه این موضوع همچون تکتف و مسح بر خفتین نیست که پیرو مذهب جعفری، حتی در دیار خود و منزل خود، آن را انجام دهد. استداره‌ای خواندن نماز، محل ابتلای شیعه نبوده و اگر هم بوده، کثیر الإبتلاء نبوده است؛ چه اینکه بسیاری، در طول عمر خویش از انجام دادن حج و عمره محروم‌اند. بنابراین عدم ردع در این گونه مسائل، نمی‌تواند کاشف از رضایت باشد (همانجا).

البته لازم است در کلام شهید علیه‌السلام دقت شود. او ادعا می‌کند «عملانی کل الأعصار السالفه». مراد از این سخن، عملکرد یک طایفه خاص دون طایفه دیگر نیست و نمی‌گوید گروهی انجام می‌دادند و گروهی نه. او می‌گوید در تمام دوران گذشته، همه چنین می‌کردند؛ یعنی عامه و خاصه به صورت مشترک این گونه عمل می‌کردند. خاصه هم در کنار آنها حج و عمره به جای آورد و با آنها اعمال عبادی را انجام می‌داد. بنابراین کوچک‌ترین شک و شبهه‌ای در مورد جواز آن می‌بود یا سؤالی از این عملکرد در ذهن پیروان ائمه پیش می‌آمد، حتماً از حضرات معصومین علیهم‌السلام می‌پرسیدند و نظر آنها را جویا می‌شدند.

وقتی ریاست و تولیت حوزه فقهی تشیع و امر فتوا به سید مرتضی علیه‌السلام رسید، با اینکه چندین مرتبه شریف رضی علیه‌السلام تولیت امیرالحاج را از حکومت وقت دریافت کرد، گزارشی مبنی بر موضع‌گیری فقهای شیعه در برابر حکم نماز استداره‌ای حول کعبه معظمه وجود ندارد. و شهید اول علیه‌السلام که به آن دوران نزدیک‌تر است، از عملکرد مسلمانان خبر می‌دهد.

از طرف دیگر سیره حضرات معصومین علیهم‌السلام بر رعایت شریعت جد بزرگوارشان صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

و تذکر و توجه دادن مردم به بدعت‌ها و تحریف و انحراف‌ها در سنت آن حضرت بوده است؛ به گونه‌ای که اگر گروهی از مسلمین به رفتار و عملکردی که مخالف شریعت حق و سنت واقعی است، اهتمام می‌ورزید و این عمل از مسائل مورد ابتلای عموم مسلمانان و در مرثا و منظر همگان قرار داشت، اهل بیت علیهم‌السلام حکم آن مسئله را مورد اهتمام قرار می‌دادند و مخالفت خود را با آن حکم، برای اصحاب خود بیان می‌کردند و بر آن تأکید می‌ورزیدند و به یک مرتبه یا دو مرتبه گفتن بسنده نمی‌کردند.

بنابراین با آنکه استداره‌ای خواندن نماز در آن دوران، با توجه به وسعت کم مسجد الحرام و کثرت مسلمانان، در مرثا و منظر ائمه علیهم‌السلام قرار داشته و از مسائل مورد ابتلا و همگانی جامعه اسلامی، مخصوصاً در ایام حج، بوده است، کلامی از معصومین علیهم‌السلام در رد حکم مسئله و بیان عدم مشروعیت نماز استداره‌ای به ما نرسیده است. همین سکوت، با توجه به سیره ایشان بر تذکر دادن بدعت‌ها، نشان‌دهنده حجیت عملکرد مسلمانان، حتی عامه، مبنی بر استداره‌ای خواندن نماز حول کعبه معظمه است و این حجیت، صحت و اجزای آن را به دنبال دارد.

ممکن است گفته شود که حضرات معصومین علیهم‌السلام در قالب بیان شرایط نماز جماعت به کلیت مسئله اشاره داشته‌اند. چه بسا اطلاق ادله‌ای که تقدم امام بر مأوموم یا نبود حائل بین امام و مأوموم را بیان کرده، ائمه علیهم‌السلام را از تذکر به بطلان نماز استداره‌ای بی‌نیاز کرده باشد؛ به عبارت دیگر، پیروان مذهب جعفری موظف‌اند عملکرد خود را با احکام صادر شده از ایشان بسنجند. بنابراین مهم، بررسی شرایط نماز جماعت است. منکرین جواز نماز استداره‌ای، به عدم احراز این دو شرط (تقدم امام بر مأوموم و نبود حائل بین امام و مأوموم) در نماز جماعت استداره‌ای حول کعبه قائل هستند که در ادامه، با بررسی مفاد ادله، شرطیت آن دو بررسی می‌شود.

اشترای خلفیت مأموم نسبت به امام

از برخی روایات، همچون صحیح محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام که فرمودند: «الرجلان یؤم أحدهما صاحبه یقوم عن یمینه، فإن کانوا اکثر من ذلك قاموا خلفه» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۳۴۱) به دست می‌آید که مأموم باید پشت امام جماعت باشد و این در حالی است که نماز استداره‌ای حول کعبه، فاقد این شرط است؛ چه اینکه برخی از مأمورین پشت امام نیستند؛ بلکه تقدم مأموم بر امام رخ می‌دهد.

در خصوص تقدم مأموم بر امام لازم است توضیحی داده شود.

گاهی امام و مأموم در یک جهت رو به قبله می‌ایستند و اگر در همان جهتی که ایستاده‌اند، مأموم جلوتر از امام باشد، مثلاً امام به سوی دیواری از کعبه معظمه که در خانه در آن قرار دارد بایستد، در همین جهت اگر مأموم جلوتر از امام باشد، این تقدم حقیقی است. گاهی نیز جهت ایستادن مأموم با امام فرق می‌کند؛ مثلاً امام به جهتی ایستاده است که در کعبه در آن جهت قرار دارد، و مأموم رو به کعبه و به جهت ضلعی است که مقابل در کعبه است (مستجار). در اینجا تقدم مأموم بر امام، تقدم حقیقی نیست؛ چه اینکه تغییر جهت قبله، باعث شده که مأموم بر امام تقدم پیدا کند. این، تقدم حکمی است.

مانعین معتقدند که تقدم حکمی، همانند تقدم حقیقی، مانع صحت نماز جماعت است؛ چرا که تقدم مأموم بر امام در عرف صادق است و عرف می‌گوید مأموم روبه‌روی امام ایستاده و پشت او. پس نماز استداره‌ای فاقد این شرط است و باطل (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۰ و ج ۴، ص ۲۴۱؛ حائری، ۱۴۰۴ق، ص ۴۸۰).

حاصل آنکه لزوم عدم تقدم مأموم بر امام مشکوک است که آیا انواع تقدم از هر جهتی را شامل می‌شود یا تنها مربوط به تقدم از یک جهت است؟ شرطیت این شرط اقتضا دارد که عدم تقدم مأموم بر امام از جمیع جهات احراز شود (شیخ

انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۵۱۶). و این در حالی است که در نماز استداره‌ای تقدم و تأخر در تمام جهات حفظ نمی‌شود. پس فاقد شرط، و نماز جماعت باطل است.

این، نهایت تقریبی است که می‌توان برای کلام مانعین بیان کرد.

روشن است که در صدق عرفی، باید خصوصیات مکان را در نظر گرفت. در نماز دایره‌ای به سمت کعبه معظمه، وقتی امام جماعت به سمت در کعبه معظمه می‌ایستد و در صف بعدی به صورت دایره‌وار مأمومین، عقب‌تر از امام، رو به کعبه می‌ایستند. حتی کسانی که به سمت مُستجار (ضلع مقابل در کعبه) ایستاده‌اند، خلف امام بر آنها صادق است؛ یعنی نسبت به کعبه، آنها نیز پشت امام قرار گرفته‌اند (ر.ک؛ نجفی، بی تا، ج ۱۳، ص ۲۳۰).

از طرف دیگر عنوان امامت بر امام جماعت صدق می‌کند؛ به این بیان که در نماز جماعت باید یکی از نمازگزاران جلو آید و مُقدم بر بقیه بایستد، تا همگان به او اقتدا کنند و تمام حرکات و سکونات خود را به تبعیت از او انجام دهند. بنابراین وقتی از این حیث، او امام است و بقیه مأموم‌اند، پس روشن است که نیازی نیست خلفیت در تمام جهت صادق باشد (ر.ک: خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۷، ص ۱۹۵).

اصولاً از ادله‌ای همچون صحیح محمد بن مسلم و امثال آن (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۳۴۱) به دست می‌آید که شرط خلفیت مأموم بر امام در نماز، بر فرد غالب آن حمل می‌شود و اگر این شرط در فرد نادر نباشد، خللی نمی‌رساند؛ یعنی مهم، مقدم نشدن مأموم بر امام، و جلوتر نبودن اوست؛ هر چند که خلفیت بر او صادق نباشد. در نماز استداره‌ای تقدم نداشتن مأموم بر امام صدق می‌کند؛ هر چند خلفیت مأموم صادق نباشد؛ به عبارت دیگر اشتراط خلفیت در مورد نمازهای جماعتی است که به صورت خط مستقیم خوانده می‌شود، نه استداره‌ای، که فرد نادر است و ادله از آن انصراف دارند. (ر.ک: صاحب جواهر، بی تا، ج ۱۳، ص ۲۳۱؛ اصفهانی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۳۷).

اشترای نبودن حائل بین امام و مأموم

فقهای عظام برای اثبات شرطیت نبودن حائل به روایتی استناد کرده‌اند که مشایخ ثلاثه آن را نقل کرده‌اند (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۷، ص ۱۳۸). روایت چنین است:

عن أبي جعفر عليه السلام قال إن صلي قَوْمٌ وَبَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْإِمَامِ مَا لَا يُتَخَطَّى فَلَيْسَ ذَلِكَ الْإِمَامُ لَهُمْ بِإِمَامٍ وَأَيُّ صَفٍّ كَانَ أَهْلُهُ يُصَلُّونَ بِصَلَاةِ إِمَامٍ وَبَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الصَّفِّ الَّذِي يَتَقَدَّمُهُمْ قَدْرٌ مَا لَا يُتَخَطَّى فَلَيْسَ تِلْكَ لَهُمْ فَإِنْ كَانَ بَيْنَهُمْ سُرَّةٌ أَوْ جِدَارٌ فَلَيْسَتْ تِلْكَ لَهُمْ بِصَلَاةٍ إِلَّا مَنْ كَانَ مِنْ حَيْالِ الْبَابِ قَالَ وَقَالَ هَذِهِ الْمَقَاصِيرُ لَمْ يَكُنْ فِي زَمَانٍ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ وَإِنَّمَا أَحَدَتْهَا الْجَبَّارُونَ لَيْسَتْ لِمَنْ صَلَّى خَلْفَهَا مُقْتَدِيًا بِصَلَاةٍ مِنْ فِيهَا صَلَاةٌ... (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۰۸).

امام محمد باقر عليه السلام فرمود: هر گاه گروهی نماز بخوانند و میان آنان و امام چندان فاصله باشد که با برداشتن یک گام، فراخی آن پر نشود، آن امام برای ایشان امام نیست و هر صف جماعتی که با پیش‌نمازی نماز می‌خوانند و فاصله میان آنان با نمازگزاران صف ما بعد، چندان باشد که یک گام، آن را پر نکنند، نماز ایشان نماز نیست یا تمام و درست نیست و اگر در میانه آن دو، پرده یا دیواری باشد، آن نماز برای ایشان نماز صحیح نیست، مگر نماز کسی که محاذی در می‌باشد [که بر آن دیوار باشد؛ چون ایشان، صرف نظر از فاصله مأمومین، می‌توانند امام را ببینند].

راوی (زراره) گوید:

آن حضرت اضافه فرمود: «این مقصوره‌های موجود [که امام در آن قرار می‌گیرد و از نظر مأمومین دور و غیر قابل رؤیت می‌شود]، ساخته دست ستمکاران است [مثل ستمگران و حکام بنی‌امیه، و در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین مقصوره‌ها نبود] و کسی که به امامی اقتدا کند که در مقصوره است، از طرفین مقصوره [چون امام را خود نمی‌بیند و کسی که امام را ببیند نیز نمی‌بیند]، نمازش صحیح نیست (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ترجمه علی‌اکبر غفاری و محمدجواد بلاغی، ج ۲، ص ۴۷).

اشترای نبودن حائل به فقه امامیه اختصاص دارد و مراد از آن، با توجه به روایت

مزبور - که گفته می‌شود تنها سند این اشتراط به شمار می‌رود (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۷، ص ۱۳۸) - این است که بین امام و مأوم حائل نباشد و چنانچه مأوم از سایر جهات به مأومین دیگر متصل است، حائلی که باعث شود او امام را نبیند، اشکال ندارد؛ به عبارت دیگر ملاک و مناط در عدم حائل این است که بین مأوم و کسی که به واسطه او به امام جماعت متصل می‌شود، حائلی نباشد (اصفهانی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۳۵؛ حائری، ۱۴۰۴ق، ص ۴۷۵) و این در حالی است که در نماز استنداره‌ای، یا بین امام و مأوم حائلی وجود ندارد یا اگر ساختمان کعبه حائل باشد، بین او و کسی که به واسطه او به امام متصل است، حائل وجود ندارد و مأوم به واسطه افراد دیگر به امام متصل است. بنابراین در نماز استنداره‌ای این شرط رعایت می‌شود و آن حائلی که ممنوع است در چنین نمازی مشاهده نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

برگزاری نماز جماعت در مسجد الحرام به نحو استنداره‌ای حول کعبه معظمه، از دیرباز مورد عمل مسلمانان بوده و سیره آنان قرار داشته است. علی‌رغم آنکه برخی این عملکرد را سیره اهل سنت دانسته و در حجیت آن بنا بر مذهب جعفری خدشه کرده‌اند، گزارش اجماع از شهید اول با کلماتی همچون «عملاً فی کلّ الأعصار السالفة» به روشنی بر وجود سیره در میان تمام مسلمانان، اعم از خاصه و عامه، حکایت دارد و توجه به گزارش‌های تاریخی و برخی شواهد، وجود سیره در دوران حضور حضرات معصومین علیهم‌السلام و عدم ردع ایشان را نشان می‌دهد. در نماز استنداره‌ای حول کعبه معظمه، شرایط ملحوظ در نماز جماعت از منظر فقه جعفری هیچ‌گونه خللی ندارد و این کیفیت از نماز گزاردن پیرامون کعبه معظمه خالی از اشکال است؛ اگرچه اقرب آن است که مأوم در پشت امام یا در یکی از دو جانب او قرار گیرد. والله العالم المتعال.

پی نوشت ها

۱. امام جماعت مسجدالحرام در اقامه نماز ظهر و عصر، به دلیل گرمی هوا، خارج از حیاط مسجد، بین ضلع حجرالأسود و رکن یمانی، در جایی مسقف و بالاتر از حیاط، نماز می گزارد.
۲. گفتنی است که حکم نماز استاده‌ای در این مقاله به عنوان حکم اولی مورد بررسی قرار می گیرد؛ یعنی اگر فرض شود امام جماعت مسجدالحرام مذهب جعفری داشته باشد، نماز استاده‌ای به امامت او پیرامون کعبه معظمه جایز است یا نه؟ وگرنه روشن است که چنانچه به عنوان حکم اولی جایز نباشد، ممکن است از باب همراهی با مسلمانان و تقیه مداراتی جایز باشد که بحث دیگری است و این مقاله در صدد آن نیست.

فهرست منابع

۱. ابن جبیر، محمد بن احمد (بی تا). *رحلة ابن جبیر*، بیروت، دار و مكتبة الهلال.
۲. ارزقی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۵ق). *اخبار مكة و ما جاء فيها من الاثار*، مکه مکرمه، مكتبة الثقافة.
۳. اصفهانی، محمدحسین (۱۴۰۹ق). *صلاة الجماعة*، گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۴. انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۵ق). *كتاب الصلاة*، قم، گروه پژوهش در کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۵. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق). *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، تصحیح شیخ محمدتقی ایروانی و سیدعبدالرزاق مقرر، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶. جریری، عبدالرحمان (۱۴۱۰ق). *الفقه علی المذاهب الاربعة و مذهب اهل البيت*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۷. حائری، عبدالکریم (۱۴۰۴ق). *كتاب الصلاة*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۸. حر عاملی، محمد بن حسن بن علی (۱۴۰۹ق). **وسائل الشیعة**، گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیه السلام، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۹. حکیم، سید محسن طباطبائی (۱۴۱۶ق). **مستمسک العروة الوثقی**، قم، مؤسسه دارالتفسیر.
۱۰. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق)، **موسوعة الامام الخویی**، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
۱۱. رافعی، عبدالکریم بن محمد (بی تا). **فتح العزیز**، دار الفکر.
۱۲. سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن سبزواری (۱۳۴۷ق). **ذخيرة المعاد فی شرح الإرشاد**، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۱۳. شمس الاثمه سرخسی، محمد بن احمد (م ۱۴۲۱ق). **المبسوط للسرخسی**، تحقیق خلیل محی الدین المیس، بیروت، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
۱۴. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق). **(بی تا). ذکری الشیعة فی أحكام الشریعة**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. _____ (۱۴۱۷ق). _____.
- _____، **الدروس الشرعية فی فقه الإمامیة**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق). **مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام**، گروه پژوهش مؤسسه معارف اسلامی، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۱۷. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). **کتاب من لا یحضره الفقیه**، ترجمه علی اکبر غفاری و محمد جواد بلاغی، صدر، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۸. صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر (بی تا)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، تصحیح شیخ عباس قوچانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). **الأمالی**، قم، انتشارات دار الثقافة.
۲۰. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). **مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة**، گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. _____ (۱۴۱۴ق). **تذکرة الفقهاء**، مشهد، مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۲۲. _____ (بی تا). **نهاية الأحكام فی معرفة الأحكام**، قم،

مستند الشيعة في أحكام الشريعة، گروه
پژوهش مؤسسه آل البيت عليه السلام، قم، مؤسسه
آل البيت عليه السلام.

۳۰. نووی، يحيى بن شرف (بی تا). **المجموع
شرح المهدب**، بیروت، دار الفکر.

۳۱. یزدی، محمدکاظم بن
عبدالعظیم (۱۴۱۹ق). **العروة الوثقی فیما
تعم به البلوی (المحشی)**، تحقیق احمد
محسنی سبزواری، قم، دفتر انتشارات
اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه
علمیه قم.

دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه
مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۳. فاکهی، محمد بن اسحاق (۱۴۰۷ق).
**اخبار مکه، مکه مکرمه، مکتبه و مطبعة
النهضة الحديثة**.

۲۴. قائنی، محمد (۱۴۲۹ق). **المبسوط فی
فقه المسائل المعاصرة - الحج و العمرة**،
قم، مرکز فقهی ائمه اطهار عليه السلام.

۲۵. کردی، محمدطاهر بن عبدالقادر
(۱۴۲۰ق)، **التاریخ القویم**، به کوشش ابن
دهیش، بیروت، دار خضر.

۲۶. کرکی، علی بن حسین عاملی (محقق
ثانی) (۱۴۰۹ق)، **رسائل المحقق الکرکی**،
قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی و دفتر
نشر اسلامی.

۲۷. متقی هندی، علی بن حسام الدین
(۱۴۱۰ق). **کنز العمال فی سنن الأفعال
والأفعال**، تحقیق بکری حیانی و صفوة
السقا، بیروت، مؤسسه الرسالة، چاپ
پنجم.

۲۸. موسوی عاملی، محمد بن علی (صاحب
مدارک) (۱۴۱۱ق). **مدارک الأحکام
فی شرح عبادات شرائع الإسلام**، گروه
پژوهش مؤسسه آل البيت عليه السلام، قم، مؤسسه
آل البيت عليه السلام.

۲۹. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق).

